

برسی پیچید و کلاه سبزه بانی و یافته برسی نهاد و در جنگ کلاهها
 دولتش بی نشیمن و طبله سان سبز در خور بی گرفت و کلاه بودی
 کلاه از سبزه و کلاه بر خاستی و از پیش روی سبز ساخت بدان
 ناز از روی و از اخلاقی حضرت رسالت علیه الصلوة والسلام
 بود و اصلاح و دودارت و قضا عمار خود را بر یک نام نهاد بود
 و چهار قدره شش داشت یکی را نام مجرم و دیگر رسوب و آن
 زید را بخرید و بی فرستاد بود و یکی قصب و یکی جوالقار
 و روز بدو بی رسید و آنرا از آن عاصم بی نشیمن بود و در جنگ
 از خود دوری کرد و در نای از نای بر خاستی بود و قوا بهم
 و اطراف و حلقها و نعل آن شمشیر با از نقر بود و او را چهار قدره
 بود یکی ذات الوش و دیگر بخت و دیگر قزاق و دیگری و دیگر
 زنی و قوی داشت و در حلقه علیه السلام و در جنگ کلاه
 و البته بود با حضرت رسالت علیه الصلوة والسلام و در جنگ
 و انهم در نای و در نای و در نای و در نای و در نای و در نای
 که در نای و در نای و در نای و در نای و در نای و در نای
 بر علیه السلام و السلام از او بود و در نای و در نای و در نای
 و چهار قدره داشت و در نای و در نای و در نای و در نای
 قصب و در نای و در نای و در نای و در نای و در نای
 و در نای و در نای و در نای و در نای و در نای و در نای

در نای و در نای

در نای و در نای

در نای و در نای

خود را چه کوهی بانی خود را یا ازین الله خود را چه کوهی بانی
 کبیرت که با نشت کف بک الموت و این آخر عمر منست و این
 و آخر عهد تو به دنیا امروز است و بعد از تو بود هیچ ادب
 قنات نشوم و در نای و در نای و در نای و در نای و در نای
 و پیغمبر علیه الصلوة والسلام کرات یافت و دست در آید
 چکود و در روی مبارک می نماید و میگفت ای مرا بر سر کرات
 موت مکرر کن عایشه زنی الله عتقا روایه کند پیغمبر علیه
 الصلوة والسلام این کلمات در عرض میخواند از عهد الماستر
 رب العالمین اشف انت الشانی لاشفاء الاشفاء و انت
 شفاء الایضا و شفاء و چون در عرض سنان شد دست چاک
 رو فرافهم و این دعا میخواند و در جسد مبارک او ای مردم
 ناکا، دست از من باز نشید و میگفت رب اعف ربی
 و المحفنی بالزین الاعلی و بعد از آن هیچ دیگر باز نشید
 و این معنی در صحیفه هست عایشه زنی الله عتقا روایه
 کند که پیغمبر صلی الله علیه و سلم در نای و در نای و در نای
 ای میگردد و بر روی می نماید و میگفت ای مرا بر سر کرات
 موت مکرر کن این جوری آورد، جمع صاف زنی الله
 عتقا روایه از پدر خود کند که چون سه روز از پیغمبر صلی الله
 علیه و سلم نماند بود جبریل نازل شد و گفت یا محمد صلی الله

محمد صلی الله علیه و سلم